

گمان؛

ادبیات کردی کرمانجی

دکتر ابراهیم سدر آیدو خان

ترجمه ی: بهاره دینعلی



انتشارات پنوئیس

سرشناسه : آیدوغان، ابراهیم سیدو، ۱۹۷۶ - م. Aydogan, Ibrahim Seydo
 عنوان و نام پدیدآور: گمان؛ ادبیات کردی کرمانجی/ ابراهیم سیدو آیدوغان؛ ترجمه‌ی بهاره ضیغمی؛
 ویرایش و تطبیق علی پاک سرشت.
 مشخصات نشر: تهران: پنیویس، ۱۳۹۷. مشخصات ظاهری: ۶۱۸ ص: ۵/۲۱x۵/۱۴ س.م.
 شابک: ۳۵۰۰۰ ریال 8-37-978-600-978-600-8798-37-8
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا یادداشت: عنوان اصلی: Guman, 2013.
 یادداشت: کتابنامه. موضوع: کردی -- دستور
 موضوع: Kurdish language -- Grammar موضوع: کردی -- نحو
 موضوع: Kurdish language -- Syntax موضوع: ادبیات کردی -- قرن ۲۰م. -- تاریخ و نقد
 موضوع: Kurdish literature -- 20th century -- History and criticism
 موضوع: داستان‌های کردی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
 موضوع: Kurdish fiction -- 20th century -- History and criticism
 شناسه افزوده: ضیغمی، بهاره، مترجم شناسه افزوده: پاک سرشت، علی، ۱۳۵۵ -، ویراستار
 رده بندی کنگره: ۱۰۰۲/۳۲۵۶/PIR رده بندی دیویی: ۹۴۴ک
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۰۵۵

اطلاعات پنیویس

ایمیل: penivis2016@gmail.com / تلف: ۱۵۶۰۰۹۱۰۹۴۷۵۶۷۷/۵۶۸

● نام کتاب: گمان؛ ادبیات کردی کرمانجی

● نویسنده: ابراهیم سیدو آیدوغان

● ترجمه از کردی کرمانجی: بهاره ضیغمی

● ویرایش و تطبیق: علی پاک سرشت

● سال و نوبت چاپ: ۱۳۹۷ - اول

● شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

● طرح جلد: مجید باقری

● قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

شابک (ISBN): ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۹۸-۳۷-۸

فهرست

مقدمه

-بخش اول. ادبیات کردی و رمان

-ادبیات حافظ

-رمان و روایت

-زبان و ادبیات از ۴۰۰۰ تا ۱۹۰۰

-نثر و رمان در ادبیات کردی

-هاوار و کردیت روشنفکر

-زن و ادبیات

-زن با آفرینش مردان

-بخش دوم. رمان کردی و ادبیات کردی

-محمد اوزون و آفرینش قهرمانان و تحقق رمان

-باوه نازه یا استکهلم می گوید بگو چه دیده ای

-هزارتوی اجنه و حسنه مته

-رمانی نیمه تمام: سوره گوله از سلیمان دمیر

-فیلسوف و رماننویسی لکمان پولات

-سویارتو از حلیم یوسف

-رماننویسی در حاشیه: لکمان آیه

-فرات جوری چگونه خود را کشت؟!

-انور کاراهان و داستانهایش

-رناس ژبان و مخزن خون

-ماخذ و منابع تردید

www.ketab.ir

"آن هنگام، بیایید از ابتدا آغاز کنیم. هیچ کس از این کار لذت نخواهد برد، نه من و نه شما. اما بایستی ما برخی موضوعات را شفاف کنیم (...) نوشتن چیست؟ ما برای چه کسی می نویسیم؟ حقیقتاً، این طور به نظر می رسد که کسی سرش را با این سوالات به درد نیاورده است."

ژان-پل سارتر (تألیف «ادبیات چیست؟»)

مقدمه گمان

ژان-ایو تادیه، صاحب‌نظر فرانسوی، در عرصه رمان، در مطالعه خود درباره نقد ادبی، نقد را در سه بخش از هم تفکیک می نماید^۱. تادیه در کنار معرفی مجلات و روزنامه ها، نقد و گفتارهای نویسنده درباره یکدیگر را نیز مورد بررسی قرار می دهد و این هر دو نوع معرفی و بررسی رمانها، به دور از نقد علمی می پندارد و نقد و بررسی های علمی را تحت عنوان حافظه ادبیات مورد ارزیابی قرار می دهد. این ادراک را او بر اساس ادراک آلبر تیپوده ساخته است. خود نیز از آن سخن می راند و بسط می دهد^۲.

معرفی کتب و نقد و بررسی هایی که نویسندگان در مورد یکدیگر می نویسند، بیشتر به بازار ادبی خدمت می کنند و هر چند به درد کار نویسندگی نیز می خورد، در بررسی های علمی به پیشرفت ادراک ادبی کمتر کمک می کنند. به همین

^۱ Jean-Yves Tadié (1987), Critique littéraire au XX^e siècle, rr. 9-13.

^۲ Albert Thibaudet, Physiologie de la critique, Paris : La Nouvelle Revue Critique, 1930.

دلیل آندره مالرو، شخصی که فالکتر و دی. اچ. لورانس را با مقاله‌ایی در فرانسه معرفی کرده بود، می‌گفت اعتقادی به نقد نویسنده‌ها ندارد، چرا که یا ستایش است یا کینه و حسادت شان که از آن نقدها حاصل می‌شود.^۳ هر قدر هم از وی گله شود که انتقاد علمی انتقادی سنگین است، در ادبیات بازار که با مرآمده‌های نجاش و بهره‌دهی‌ها ایجاد و مدیریت می‌شود، جایگاهش خواه ناخواه بر طبق هر دو نقدهای دیگر با ارزش تر و بادوامتر می‌باشد.

در جا به کرد ما، جز معدود تلاش‌های انگشت شمار، هنوز یک نقد ادبی علمی ایجاد نشده است. زیرا برای یک نقد علمی، می‌بایست از پیش صحنه‌ایی علمی وجود داشته باشد که علم آن درک شود و مباحثه‌ها به وجود آیند و تحقیقات را مدیریت نمایند. مسافران آنها، دو نقد دیگر در بین ما رواج دارند که آن را نیز انسان قادر است به هر سوز و گریه‌ای دهنده تکامل علمی ادبی نیز به سختی بعد از بررسی و مباحثات در یک عرصه علمی می‌تواند به پیشرفت کند. در وضعیت اجتماعی و سیاسی‌مان، تحقیقات و مباحثه‌های ادبی خود نیز قادرند به عنوان یک چیز لوکس به حساب آیند.

انسان چگونه خودش را به چنین ادبیاتی نزدیک نماید که بیار متاثر از عوامل خارج از ادبیات می‌باشد؟ به ویژه تاثیر سیاست بر روی نویسنده‌ای که با گزینش آنان به ادبیات نیز راه پیدا می‌کند. این خصوصیت نویسنده‌ها، راه را بر مباحثات ادبی و بررسی‌ها و نقدها می‌بندد. ما گفته بودیم کسانی که به کرد می‌نویسند

³ . Cf: Tadié (1987), r. 10.

این گزینش را به خاطر تمایلات سیاسی دارند. در اینگونه شرایط، ادبیات یک مسئله، نقد به کردی آن هنگام مسئله ای دیگر می باشد.

محقق و منتقد کردی از ابتدا آماده برخی مشکلات و مسائل است. در بین یک اقیانوس مانند یک کشتی بدون بادبان تک و تنها است، چرا که او به گروهک، حزب و سازمان؛ تکیه نمی کند، و قبله اش از اصول و مدل های علمی نیز دور نمی شود. به دلیل اوضاع زبانی که او با آن می نویسد و به دلیل وضعیت زبانی که او بر روی آن در می کند، کار او نیز مشکلتر می شود.

قبل از هر چیزی خوانندگان کم خواهد شد، نویسندگان نیز بدون رضایت قلبی به کتاب او روی خواهند آورد. لذا برای آنها دردسر می شود... جوامع ادبی از بررسی های او بحث نخواهند کرد. احتمال دارد برجسب های سیاسی به او بزنند، احتمال دارد خائن نیز اعام شوند. همچون بسیاری از فانوس ها، او نیز خاموش خواهد شد. این کار نیز اجازه نخواهد داد که دامنه های خدماتش کمکی به شکوفایی ادبیات کند. تمایلی به او و عالیه های او نخواهند داشت، چرا که کار او تحسین نیست. یکی که خود را به سمت کار نیز تحقیق ادبیات کردی بکشاند، مجبور است که حساب همه این تاثیرات را در نظر بگیرد، که آن نیز خواه ناخواه کارش را اندکی دشوارتر نیز می سازد.

احمد خانی در ابتدای اثر مشهور خود به نام «مم و زین» (۱۶۶۳) می گوید که کتاب را به زبان کرمانجی نوشتم "تا مردم نگویند که کردها، بی دانش و بی سلیقه و بنیاد هستند". همین عملکرد ۳۰۰ سال بعد نزد رمان نویس کرد محمد ازون نیز دیده می شد. اوزون، در کتاب «هدرت و زیبایی قلم» (۱۹۹۳)، که اساس و پایه قلم شاعرانه اوست، از احمد خانی و گزینش زبانی او سخن می گوید و اینگونه

تمام می کند: "به کردی فکر کردن، نوشتن و آفریدن یک جنبش پیروز است، کردی نوشتن، فکر کردن و آفریدن در مقابل ناپاکی و قباحات سلطه گر و زورگو ایستادن است، در مقابل سکوت و بی حرمتی سر برخواستن است (...)"^۴. محمد اوزون پس از آن به شیوه ای اندک متفاوت تر به موضوع زبانی نزدیک می شود و از زبان قیام دست می کشد و می گوید که یقیناً زبان های زیادی را می داند و به آنها می نرسد؛ اما چیزی که او را معروف ساخت، باز هم کرد بودن او و سیاسی بودن ن زبان زد.

همچنان به در عصر مجله «هاوار» نیز اینگونه بود، در سرآغاز ادبیات کردهای شوروی و در ادبیات کردهای ترکیه در سالهای ۱۹۸۰ همچنان رنگ و بوی سیاسی وجود داشت. اگر ما «مهر و رن» را به عنوان اولین رمان کرمانجی بدانیم، آنگاه از آغاز خود، نویسندگان و رمان نویسان که همچنان در پی اثبات وجود خود هستند. این «انقلاب» که محمد اوزون نیز صحبت می نمود، در وضعیت اجتماعی-سیاسی کردها به وضوح قابل فهم است.

زبان کردی تحت سلطه چنان ظلمی از طرف دولت ترکیه عبور کرد به گونه ای که تمامی حافظه و درک زبانی کردها زیر و رو شده است. به تدریج عینی رسمی که تا سال ۱۹۹۱ در ترکیه برای زبان و فرهنگ کردی بود تا سال ۲۰۰۱ نیز تاثیر آن به صورت چشمگیر نمایان بود، دلیلی شد که کاربرد و گسترش زبان کردی در میان خود، همچنانکه در مثال احمد خانی نیز آشکار می شود، به خصوصیت سیاسی به خود بگیرد. لیکن، مدرسه های کردی وجود نداشتند و زبان به طور

^۴ . Mehmed Uzun, Hêz û Bedewiya Pênûsê, r. 116-117.

کلی ممنوع بود و به عنوان "زبان دهاتی‌ها" شناخته می‌شد؛ مواردی که به کردمسلکی مرتبط می‌باشند به عنوان خمیرمایه "یک تروریسم جدایی طلب" دیده و متصور می‌شد. کردی و کردبودن سبب دستگیر و کشته شدن انسان می‌شد، آن هنگام کاری خطرناک تلقی می‌شد. این نیز، سببی شد که گویشوران کردی خود نیز از آن فرار کنند و عرصه کاربرد زبانشان همچنان که به پیش مرزیت تنگ تر می‌شد. به این دلایل، کسانی که به کردی خواندند و نوشتند، تنها سیاه‌زن بودند.

به دلیل این که زبان کردی تاکنون در آموزش به کار برده نمی‌شد، به این خاطر که هر کرد باسواد قضا یا زبانهای دیگر را نیز می‌داند، و اینکه نویسندگان کرد، همچنانکه که محمد انور در کتاب "قدرت و زیبایی قلم می‌گوید، خود خواندن و نوشتن را آموخته‌اند، آن هنگام، چنانکه گفته بودیم، انتخاب نوشتن به زبان کردی، در شرایط کردها، خاصه در کانتون ترکیه، به سختی با دخالت سیاست می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد.

این سیاست ادبیات کردی با ترکیب دو تفکر ایجاد شده بود. از یک سو "انقلاب" نوشتن به کردی وجود داشت که ریشه آن باسبالیسملی بود؛ اما از سویی دیگر تسلط چپ‌گرایی و مارکسیسم بود. لذا، به طرزیکه که ما نمونه آن را به وضوح نزد بریندار (دختر کرد خانه، ۱۹۸۲، و سورو، ۱۳۸۳) و حمود باکسی می‌بینیم (آبادی دونو، ۱۹۸۸)، کردهای ترکیه‌ای مقیم اروپا، در کنار همین پرستی، جنگ بر ضد فتوادالیسم را نیز از یاد نبرده بودند که این جنگ در زمان انقلاب روسی به عنوان یک مفهوم اصلی به ادبیات راه یافته و تأثیرش را بر روی کردهای شوروی نیز گذاشته بود. آن هنگام، بهتر درک می‌شود که چرا عربی شمو

در شبان کرمانج‌ها (عربه سمو، ۱۹۳۵)، کسی که در روستا کار چوپانی می‌کرد، پس از آنکه بزرگ می‌شود و بر می‌گردد، بر ضد خانها و بیگ‌های کرد به اعتراض می‌ایستد.

لذا، ادبیات کردی قبل از هر چیزی سیاسی است، اما این سیاست آن نیز نامتجانس می‌اشد. علی‌الخصوص نیز، در ادبیات کردهای ترکیه که اولین نویسندگانش از سازمان‌های سیاسی گوناگون بر می‌خاستند و تنش در بین سازمان‌ها وجود داشت همچنان نویسندگان این جداییهای مابین سازمان‌ها را نیز همراه خود به عرصه تیریش‌وار نمودند. این تفاوت مابین سازمان‌های ایشان به شیوه‌ای طبیعی تأثیرش را بر مطالعات و مباحث ادبی نیز گذاشت و سبب شد که یک ادبیات سازمان‌ها و بی‌نولور، هائیز شکل گیرد. در کنار آن، یک زبان سازمان‌ها، سپس یک الفبای سازمان‌ها و یک اصول درست نویسی سازمان‌ها نیز ایجاد شدند، تا که انسان به سرعت مواجه شود که کدام نویسنده از کدام محفل است. همچنین از ابتدا تمام سازمان‌ها صاحب نشر بودند و از میان معرفی نویسندگان و کتب، انسان فقط اشخاص نزدیک به آن سازمان‌ها را مشاهده می‌نمود. هر نشریه بر طبق سلیقه اش سانسوری برای کسانی که نزدیک سایر سازمان‌ها و یا دور از سازمان‌های خودشان می‌شدند انتخاب می‌نمود. تأثیر این اقدام در مجلات و روزنامه‌های امروز کردها هنوز هم هست و حتی تأثیرش را بر نثریون‌های آنها نیز می‌گذارد. همچنان که در یک مجله کردی، عجیب نیست انسان ببیند در همان شماره دو یا سه گفتاری درباره اولین کتاب نویسنده‌ای جوان موجود باشد و همان مجله نیز برخی نویسندگان دیگر را هرگز نبیند. این نیز، بی‌شک، نشانه وجود گروهک‌های ادبی می‌باشند که بر اساس تفکرات ادبی شکل نگرفته

اند، حال اینکه بر اساس تفکرات سازمانی روی کار آمده اند. در چنین وضعیتی، یک تحقیق علمی هم به عنوان یک لوکس تشخیص داده شود و هم می تواند کاری خطرناک نیز محسوب شود.

با وجود سیاسی بودن و مشکلات متعاقب آن، زبان کردی امروز در چاپ خود ادبیاتی را تولید نموده و قریب به ۲۵۰ رمان کرمانجی، و از آن بیشتر کتاب داستان و تریه ها در دسترس ما قرار دارند. بعد از ممنوعیت نزدیک به صدساله و فشار حاصل از آن، این حجم از آثار زبانی که مقاومت می کند، و با نویسندگانی که خود خوانده و بیادب نوشته را آموخته اند، کم نیست. حتی ده سال قبل نیز، کسانی که به کردی می نوشتند، دستگیر می شدند و با عنوان تروریسم گناهکار تلقی می شدند. اما امروزه جناح مسلح می خیزد که ممنوعیت زبانی و ظلم بر کردها را در جوانیش نشناخته است. نسل در دبستان به دلیل صحبت نمودن به کردی سلی نخورده اند. این نسل نو ندیده است که ما برای یک کتاب کردی در سالهای نود چه ریسکی را متحمل می شدیم. ما دشوار است که آن نسل ادبیات سالهای ۱۹۸۰ و سالهای ۱۹۹۰ را بفهمد و درک کند که دستور زبان جلادت بدرخان و سایه عشق محمد اوزون در دیاربکر را مخفیانه می خوانیم و ما به خاطر آن ممکن بود کشته نیز بشویم.

دیگر که فعالیت نوشتن به کردی نسبت به آن ادوار تاریک بیشتر است، یافته و یک نخبه کرد به زبان کردی نیز تولید می شود. در این وضعیت، مطالعه ادبی نیز فعالیت نوشتن حافظه ادبی است و به شکوف نمودن ادبیات نو نیز کمک می کند. به ویژه ادبیات کرمانجی امروز از هر زمانی بیشتر نیازمند چنین کاری می باشد.

ادبیات کردی کرمانجی در این چند سال اخیر نوگرایی متعددی را از سر گذراند. قبل از هر چیزی فعالیت نوشتن گروهی از اروپا به استانبول و از آنجا نیز به کردستان بازگشت. آزادی نسبی زبان کردی و اصلاحات زندگی سیاسی در ترکیه فرصت را ایجاد نمود که فعالیت نوشتن رواج یابد و چاپخانه و مجله در کردستان برکده فعالیت های خود را انجام دهند. ادبیات کردستان عراق نیز از طریق چاپ های مجدد پلی را بین خود و کردستان ترکیه قرار می دهد و نویسندگان خود را در مرزهای الفراسی آزمایش می کنند. مرکز ادبی دیگر در کشور واقع است و آن نیز عامل مشروعیت آن محسوب می شود. این نزدیکی به نشریات و فعال بودن محافل نویسندگان و همچنین فعالیت های ادبی و فرهنگی که از طریق شهرداری های کرد و ادارات فرهنگی و فرهنگی دیگر برگزار شده اند، خواه ناخواه یک جو ادبی و زبانی نیز همراه نهاد واهد آورد که محرک های ادبیات کردی را نیز قدرتمندتر خواهد نمود.

تنها شرط و شروط فیزیکی تغییر نیافته است ما مشاهده نمودیم که موضوعات ادبی نیز دیگر تغییر می یابند و در بین نویسندگان کرد کدوکاو برخی موضوعات نو و فرم های جدید روایت نیز یافت می شود. دیگر ادبیات فقط از چشمه سیاست نمی نوشد. حال که، دستاوردهای سیاسی راه را بر ادبیات نیز داد. هر چند همچنان در آغاز راه و نمادین نیز باشد، ادبیات کردی دیگر بار از ادبیات سالن ها بیرون می آید و بین جامعه رواج می یابد. مهمتر از آن، قلم های تازه نیز پیدا گشته اند. تغییر جامعه سیاسی کردی و متاثر از آن نیز تغییر زن کردی بی تردید

⁵ . Evîn Şikakî, Fixana Pênûsên Nazik : Antolojiya Helbesta Kurdî ya nûjen, Helbestvanên Jin , Amed : Ronahî, 2012, 524 r..

تأثیر خود را در عرصه ادبیات نیز خواهد گذاشت. هر چند شمار آن بسیار کم نیز باشد، دیگر نویسندگان زن کرد نیز وجود دارند و پس از سیاست، زن کرد دگربار دامنه فعالیتش را در عرصه ادبیات نیز می گستراند.

آن هنگام که احمد خانی مثنوی مم و زین را نوشت، کردها هنوز داستان های بلند با آن سیوه ننوشته بودند. هنگامی که فواد تمو در روزی کرد داستان خود را چاپ نمود، کردها/ ادبیات منشور را هنوز آنقدر خوب نمی شناختند. هنگامی که عریه محمود جان دهانج ها را به کرمانجی چاپ نمود، هنوز به کردی هیچ رمانی منتشر نشده بود، هر چند که نسخه اول این رمان به روسی نیز باشد. هنگامی که جلادت بدرخان ها را منتشر نمود، هنوز به کرمانجی مجله ای ادبی چاپ نشده بود. اما، پس از آن در سال های کردستان ترکیه، ادبیات پنجاه سال متوقف شد و تنها در بین کردهای اروپا ماند.

هنگامی که بریندار رمانش با نام *خانه* (۱۹۸۲) را در اروپا چاپ نمود، کردهای ترکیه هنوز رمان را آغاز ننموده بودند و فعالیت های ادبی شان با تعدادی اندک و به شعر محدود می شد. آن زمان شمار رمانهای کرمانجی- کردی در سراسر دنیا ۱۲ بود و آن رمانها نیز توسط کردهای سوریه نوشته شده بودند. حتی تا اواخر سالهای ۱۹۹۰ در هر سال دو سه رمان چاپ می رسیدند، اما مشاهده می کنیم که در سالهای اخیر، هر سال شمار رمانهای چاپ شده به صورت مشهود افزایش می یابد و دیگر از بیست عدد هم تجاوز می کند. در ادبیات دیگر نسلی نو و با فرهنگی نو به عرصه پا می گذارد، بدین گونه، تمام نویسندگان ماقبل سالهای ۱۹۹۰، از جنبش های سیاسی بر می خاستند.

آن هنگام دگرگونی رخ می دهد و انفجاری در ادبیات کردی و در کل در نوشتن به کرمانجی ظاهر می شود، لذا اکنون از هر زمانی بهتر ضرورت بررسی و نقدهای ادبی پیش می آید، لیکن نقد و بررسی به سختی در چنین وضعیتی مفید واقع شوند و به قدرتمند نمودن آفرینشی ادبی کمک نمایند.

چرا ما می گوئیم/کنون؟ در سالهای ۱۹۹۰ ادبیات کردی همچنان مقاومت نمود، ما کسی نمی خواند. شمار نویسندگان بسیار کم بود طوری که انسان می تواند نام هر یک را یک به یک از خاطر بگذراند. فعالیت نوشتن، روشی از مقاومت بود. آفرینش ادبی تنها برای ادبیات، از ویژگی های ادبی بسیار دور بودند، لذا دغدغه اصلی ادبیات نبود، مان بود. نهایی که سطح شان یکی بودند، نظیر محمود باکسی عگید خودو و محسن ووزو و رزّٰن بارناس و احمد حسینی خیلی کم بودند. چیزهایی نوشته و چاپ می شدند، هیچ کسی نمی دانست نامی بر آن نهد. نویسندگان ما خود نیز ادبیات را، سو و کشف می کردند. در کنار این نوپا بودن نویسندگان، جو داخلی و خارجی سیاسی نیز رد که جلوه ادبیات کردی را نمایان می ساخت. این تاثیر هنوز به قوت خود باقی است و ادبیات رها نشده است.

در چنین شرایطی که "مقبولیت" و "فاسد بودن" به اساس مفهومات سیاسی مورد ارزیابی قرار می گیرند و آثار ادبی بر طبق مقیاس رمارب های سیاسی طبقه بندی و دسته بندی می شوند، در چنین شرایطی که بازار ادبیات بر طبق مقیاس های سیاسی می چرخد، انسان نمی تواند آزادانه نقد کند. در چنین شرایطی که مفهوم با هم ترکیب شده باشند، جامعه شکسته باشد، روشنفکری در حال ایجاد باشد و پیام نویسنده همچنان در هر اثری نمایان شود، انسان نمی تواند

از ادبیات سخن براند و اثر قوی و ضعیف را از هم تشخیص دهد. در این شرایط، هر چیزی که با نام ادبیات، هنر و زبان انجام می شود، جای تردید دارد. ما می گوییم تردید، چرا که دیگر دوره آن فرار رسیده که انتظارات نواز ادبیات داشته باشیم و بخواهیم به اصل خود بازگردد، برای همین، قبل از هر چیزی می باید ادبیات قبل از کنون را درک کنیم، تا انسان قادر باشد بر روی آن تولید کند، بله، کنون زمان آن رسیده که بگوییم زمان سیاسی بودن ادبیات به انتها رسید و ما سیستم های ادبی را متذکر شویم. بدین خاطر اغلب نوشته های این کتاب سابق است نه نوشته شده اند، اما به سختی امروز به عنوان کتاب در دسترس خوانندگان ادبیات گردن ترا می گیرد.

نویسندگان امروز نسبت به نویسندگان آغازین بیشتر به عرق کردی می اندیشند و فراتر از آن دغدغه ادبی دارند. اما نشان چند بعدی است و عمیقتر از افراد ما قبل خود تفکر می کنند. اگر خصصه نویسندگان اینگونه تغییر کرده باشند، آیا انگیزه نیز تغییر یافته اند؟ آیا ادبیات کردی، و خاص رمان کردی، هنوز هم سیاسی است؟ در زمینه عملکرد زبانی و انتخاب موضوعات رمانان، آیا انسان می تواند یک نوگرایی را شناسایی کند؟ نویسندگان مردم کدام روش آثارشان را می آفرینند، چه مقدار نزدیک محرک های اجتماعی بوده اند؟ و چنین انسان قادر است چه ارتباطی را بین ادبیات کردی کلاسیک و ادبیات عصر حاضر ایجاد کند؟ تحقیق ما این پرسش ها را از خود خواهد نمود و تلاش خواهد نمود که با هم انداز ادبی کردی ایجاد نماید.

باید این هم اضافه شود که هیچ نقدی وجود ندارد که بتواند خود را منصفانه یا بی طرف بنامد. نه خیرا عین اینکه میلان کوندرا در پرده ی خود گفته است،

تمامی مقیاس های ادبی بر روی بنیادهای ذهنی، ایجاد می شوند، لذا هنر بر اساس پسندیده شده مقبول و غیرمقبول خوانده می شوند و این پسند نیز بستگی به اشخاص قادر است تغییر یابد. لذا برخی بررسی هایمان در مورد برخی آثار می تواند برای بعضی خوانندگان عجیب محسوب شوند. دلیل نیز این است که انتظار انسان از ادبیات بر طبق هر کسی متفاوت می باشد. بنظرمان، ما از جنبه شبکه و متن سازی و قهرمانان به یک رمان نگاه می کنیم و پیام و موضوع آن برای ما هیچ، تعیین کننده نیست. ما بر این باور هستیم که موضوع اصلی رمان (و نه در کل ادبیات) ساز است و تمامی ابزار دیگر به سختی بر سر راه این موضوع وجود دارند. در مقیاس های سیاسی تمامی کتاب های کردی مقبول هستند، اما مقیاس های سیاسی و ادبیات ما به نیستند.

البته ما موضوع و روش ادبیات را نیز مورد بررسی قرار خواهیم داد، لذا برای ما، ادبیات باید مفید باشد، برای جامعه، زبان ما، هنر ما، و به کار انسان ها مفید واقع آید. ادبیات نشاط در وضعیت کنونی جامعه ما، به سختی قادر است مهمل باشد و ما ادبیات مهمل را نمی پذیریم. ما ادبیات را در زمینه آفرینش زیبا و برای پیشرفت انسان و جامعه مورد ارزیابی قرار می دهیم که در وضعیت ما، کاربرد زبان نیز به اندازه آنها مهم می باشد. ادبیات ما می بایست در تمام زبان ما باشد و این مهم نیز به سختی با آفرینش یک ادبیات قدرتمند میسر است. به نه به یک ادبیات سیاسی که مقیاس های آن همیشه متغیر می باشند، زیرا سیاست خود متغیر است. آن هنگام، برای ما، نویسنده از طریق ادبیات اظهاراتش را به اشتراک می گذارد، اما این اظهاراتش در مورد وضعیت انسان ها می باشد.

سیاست و تمامی موضوعات اجتماعی و فردی، نظیر جنگ، نظیر آرمان، نظیر خانواده، نظیر عشق، نظیر غریبی و دوری و تنهایی و آوارگی و بیچارگی و نیز ثروتمندی که موضوعات جوامع مان را شکل می دهند، قادرند برای ادبیات به سختی تبدیل به ضروریات بشوند، چرا که تمامی این موضوعات با/انسان مرتبط می باشند به زور با این ویژگی خود می توانند به یک اثر راه یابند. از این رو ادبیات روی خود/انسان خلق می شود.

ما این بررسی های این کتاب بیشتر در مورد سرآغاز ادبیات کردی مدرن و رمان کردی کا محوده ایم. به منظور اینکه انسان بتواند ادبیات کردی امروز را درک کند، ما سعی داریم سرآغاز نوشتن نثر کردی می رفتیم، سرآغاز خود نویسندگی مدرن، که چاد و جاذبه پدیده های اصلی آن محسوب می شود. برای همین هم، ما از روزنامه نگاری آغاز نمودیم و تا به نویسندگان و شاعران و رمان نویسان زمان ما نیز رساندیم. به شکلی انتخاب آثار بر طبق گزینش های نامتقارن و اهمیت اواخر سالهای ۹۰، ابتدای قرن ۲۰ صورت گرفته است، اما تلاش نمودیم این انتخاب به صورت کلی تمثیل ادبیات کردی و خاصه رمان کردی را بجا بیاورد. تا از دستمان بر آمد، ما به مقیاس های ادبی و هنری تکیه کردیم و همیشه اثر را مخاطب قرار دادیم، اما همیشه از آن آگاهی داشتیم که نقد یک اثر می تواند از هر جنبه ای نیز بسط داده شود.

در جامعه ما نقد مسئله ای بسیار حساس می باشد به مانند اینکه ساز به دست خود آتش را به خرمنگاه خود بزند. ذاتا منتقد به عنوان دشمن نویسندگان دیده می شوند، اما در بین هر محقق و منتقدی یک تحسین ادبی نیز هست؛ با این وجود در شرایط ما، وضعیت آنها وخیم تر است. طبعا منتقد یا محقق فرانسوی

و نیز امریکایی ضرورتی نخواهند دید جمله هایی به این شیوه در مقدمه کتاب خود بیاورند.

فهم و درک ادبی نزد ما کم است، چرا که به منظور یک آموزش ادبی تلاش های در دسترس ما نیز کم هستند. ما هر دو جلد گمان را با این دغدغه آماده نموده ایم: «! بتواند کمکی به آموزش زبان و ادبیات کردی بنماید و در این زمینه منبعی در دسترس اساتید و دانش آموختگان و محققان زبان و ادبیات کردی باشد.

گفتار و تحقیقات در این کتاب، که برخی از آنها سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ نوشته شده اند، قبلاً در بررسی کنفرانس های علمی ارائه شده و برخی نیز به کردی و فرانسوی به چاپ رسیده است. لذا اولین بار است که تمامی این فعالیت ها همراه هم به چاپ می رسد. همچنین، برخی بررسی های درون این کتاب نظیر قهرمان زن در ادبیات کردی و رمان های مردان و زنها نازه یا استکهلم می گوید چه دیده ای نیز موجود می باشند که قبلاً هیچ جا چاپ نشده اند.

در پروسه ایجاد این کتاب ما مجبور شدیم که برخی مقالات مان که قبلاً در مجلات و یا در اینترنت به کردی چاپ شده اند، در کتاب بیاوریم، لذا برخی نوشته ها موجود بودند که زمانشان گذشته بود و برخی دیگر نیز به طبق عمر نویسنده اش در آن زمان ارزش خود را از دست داده بود. مقاله های چاپ شده مان را، برای این کتاب از نو آنها را بررسی نمودیم. می بایست خواننده از آن آگاه باشد، چرا که هر مقاله در دوره ای متمایز نوشته شده است، ممکن است در برخی نمونه ها و بررسی ها از تکرار با او سخن گفته شود که این نیز طبیعی است، لذا هر گفتار مستقلاً یک موضوع متمایز می باشد.

نقد کردن مقداری غرور نیز دارد. ما هر چقد متواضع باشیم نیز، نقد خود نویسندگان و آثارشان را تخریب خواهد نمود. اما هدفمان این است که در بین ما روشن و واضح باشد. با این کتاب هرگز نیتمان این نیست که درسی ادبی به کسی بدهیم. هدفمان هرگز این نیست که نویسنده‌ای را خوار و یا تباه سازیم. همچنین هدفمان تحقیر دوست و رفقا نیز نمی‌باشد همچنانکه در نقد کردی تبدیل به یک عادت شده است. برخی دایی و خواهر زاده‌ها وجود دارند که صرفاً همدیگر را تحقیر می‌کنند. نیاز به فردی جدید نمی‌بینند، طبعاً با مانند آنها عمل نمی‌کنیم. اگر کسی با ما، خود و با مقیاس‌های یک خوانش ادبی و با یک ادراک ادبیات معاصر، و برابر با یک آگاهی تحقیقانه، سعی نموده ایم که موضوعات ادبیات کردی قابل فهم شوند و برای کتاب‌های ادبیات کردی بهتر معرفی شوند، تا ما به یک درک ادبی علمی کمک‌کننده باشیم.

شایان ذکر است که جلد دوم گمان، در سال ۱۳۹۴، در دروس ادبیات کردی و رمان کردی نیز خوانده می‌شود.

ابراهیم سیدو آیدو خان

دهم ماه سپات ۲۰۱۴، روان، فرانسه